

کنکور

یازدهم

انسانی

تهیه کننده: عاصم آبادی

بهار: ۱۳۹۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## درس اول

### اسم تفضیل و اسم مکان

در سال گذشته با وزن کلمات و معانی آنها آشنا شدید. وزن هایی مثل فاعل ، مفعول و ... در درس اول با اسم پر کاربرد در عربی آشنا می شویم.

**الف) اسم تفضیل:** معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در فارسی است. مثل زیباتر و زیباترین.

اما در عربی مذکر بر وزن «أفعل» و مونث بر وزن «فعلی» می آید. مثل

أكبر ← کبری / أصغر ← صغری

بزرگتر - بزرگترین / کوچک تر-کوچکترین

آسیا أكبر من أروبا / آسیا بزرگتر از اروپا است

آسیا أكبر قارات العالم / آسیا بزرگترین قاره های جهان است.

**نکته ۱)** غالباً اگر بخواهیم معنی (تر) بدهد بعد از أفعل (من) می آوریم و اگر بخواهیم معنی (ترین) بدهد احتیاجی به (من) نیست در این حالت اسم تفضیل مضاف واقع می شود.

**نکته ۲)** اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مونث معمولاً بر همان وزن «أفعل» می آید:

مثل فاطمة أكبر من زينب

**نکته ۳)** کلماتی مثل «أقلّ - أحقّ - أضلّ - أشدّ ...» بر وزن أفعل هستند.

**نکته ۴)** خیر و شر هم اگر به معنی بهتر و بدتر یا بهترین و بدترین باشند ، اسم تفضیل هستند

حی علی خیر العمل - خیر الامور اوسطها

**نکته ۵)** غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أفاعل» است مثل

أرذل / أفضل / أفاضل

**نکته ۶)** کلماتی مثل «أعلی، اولی، أقوى، أخفی....» بر وزن أفعل اسم تفضیل هستند

**نکته ۷)** رنگ و عیب ها هم بر وزن أفعل هستند مثل أزرق - أسود ... ولی اسم تفضیل نیستند

**نکته ۸)** (آخر) اسم تفضیل است به معنی «دیگر» و مونث آن آخری است.

اما (آخر) اسم فاعل است به معنی پایان و مونث آن آخرة است.

## ب) اسم مکان

اسم مکان بر مکان دلالت می کند و بیشتر بر وزن مَفْعَل و گاهی بر وزن «مَفْعِل و مَفْعَلَة» است.

مثل: مَلْعَب = ورزشگاه      مَصْنَع: کارخانه      مَطْعَم: رستوران

مَحْمِل : کجاوه      مَكْتَبَة: کتابخانه      مَطْعَبَة: چاپخانه

نکته: اسم مکان بر وزن (مفاعل) جمع بسته می شود مثل

مسجد      مَسَاجِد      مَحْكَمَة      مَحَاكِم      مَسْبَح      مَسَابِح

## تست درس اول

(۱) «\*يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ\*»

- (۱) کسانی که ایمان آورده اند، نباید قومی را مسخره کنند. شاید آنها بهتر باشند.
- (۲) ای کسانی که ایمان می آورید، نباید گروهی، گروه دیگر را مسخره کند، شاید از شما بهتر باشند
- (۳) ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید گروهی، گروهی دیگر را مسخره کند، شاید آنان از ایشان بهتر باشند
- (۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، قومی از شما قوم دیگر را مسخره نکند. چه بسا آنها بهترین باشند

(۲) (\* لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا \*)

- (۱) نباید از یکدیگر غیبت کنند، آیا دوست دارند گوشت برادرشان را که مرده است بخورند؟!
- (۲) نباید از یکدیگر غیبت کنید، آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد؟!
- (۳) برخی از یکدیگر غیبت نمی کنند، آیا دوست دارند گوشت برادر مرده ی خود را بخورند.
- (۴) از یکدیگر نباید غیبت کنید، آیا دوست دارید گوشت برادر مرده خود خورده شود.

(۳) عین الصحیح:

- (۱) آسیا اکبر قارات العالم: آسیا بزرگترین قاره در جهان است
- (۲) أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ: برترین مردم کسی است که به مردم سود می رساند
- (۳) وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ: و آن از بزرگترین گناهان است
- (۴) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ: دوست دارم بندگان خدا را که به بندگانش سود میرسانند

(۴) فی ایّ عبارةٍ لا تُوجَدُ اسمُ التفضیلِ

- (۱) لَوْنُ الْمَوْزِ أَصْفَرٌ وَ لَوْنُ الرَّمَانِ أَحْمَرٌ
- (۲) (\*هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ\*)
- (۳) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعَيِّبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ
- (۴) خَيْرُ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ

(۵) «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعَيِّبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ» هذه العبارة تمنعنا عن ... !

- (۱) التَّجَسُّسُ (۲) العُجْبُ (۳) سوءُ الظَّنِّ (۴) الاستهزاء

(۶) عین عبارةٍ لیس فیها اسم المكان

- (۱) لَا تَطْلُبِ الْعِلْمَ لِلْوَصُولِ إِلَى مَنَاصِبِ دُنْيَوِيَّةٍ
- (۲) هَذَا الشَّاعِرُ شِيرَازِي الْمَوْلِدِ
- (۳) الدَّلْفِيُّ حَيَوَانَ ذَكَى يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ
- (۴) يَعْمَلُ الرَّجَالُ فِي الْمَصْنَعِ

٧) عين الصحيح عن «مُبْتَسِم- مَجَامِع - أَفْاضِل»

(١) اسم الفاعل – اسم المكان – اسم التفضيل

(٣) اسم المكان – اسم التفضيل – اسم الفاعل

٨- عين الخطأ في استخدام اسم التفضيل:

(١) فاطمة كُبِرَى مِنْ بناتِ هذا الصف

(٣) مريم أَعْلَمُ مِنْ صديقتها

(٢) دماوند أعلى جَبَلٍ في ايران

(٤) أختي الصغرى تَعْمَلُ في المطبخ

٩- «في تصادم السيارتين جَرِحَ أَقْلُ مِنْ عشرة طلاب الايرانيين و أخذ مسؤولي الاستقبال» عين ما ليس في هذه العبارة:

(١) اسم المفعول (٢) اسم التفضيل (٣) اسم الفاعل (٤) اسم المبالغة

١٠) في أيّ عبارة لا تُوجَدُ الصفة؟

(١) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ في الميزانِ مِنَ الخُلُقِ الحَسَنِ

(٢) تُسَاعِدُنِي أختي الكبيرة

(٣) طالعنا اليومَ في المدرسةِ الفَصْلُ الثالثُ مِنْ درسنا العاشر

(٤) تَفَكَّرَ ساعةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سبعين سنة

١١- عين الخطأ عن مُضَادِّ الكلمات :

(١) عداوة صداقة (٢) أرخص أعلى (٣) اموات احياء (٤) الحسنه الطيبة

١٢- أيّ عبارة ما جاء فيها اسم التفضيل ؟

(١) أَحَبُّ عبادِ الله الى الله ، أَنْفَعُهُمْ لعبادة

(٣) قد يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا

(٢) الاستهزاء بالآخرين، و تسميتهم بالاسماء القبيحة

(٤) عِنْدَنَا هذه الألوانُ : أبيضُ و أسودُ و أزرقُ و أحمرُ

١٣- في أيّ عبارة وَقَعَ المبتدأ و الخبرُ مُضَافين ؟

(١) حُسْنُ الخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ

(٣) ألغواصونَ ذَهَبُوا إلى أعماقِ المحيطِ ليلاً

(٢) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إلى عِلْمِهِ .

(٤) الطُّلَّابُ تَعَلَّمُوا الحِكْمَةَ و العِلْمَ

١٤- عين الصحيح عن المفردات في العبارات التالية : «ان الله يُحِبُّ المُحْسِنِينَ / الله سائرُ كُلِّ مَحْبُوبٍ»

(١) سائر : اسم مفعول- مفرد مذكر / خبر

(٢) المُحْسِنِينَ : اسم فاعل- جمع مذكر- معرفه / مفعول

(٣) مَعْيُوبٌ : مفرد مذكر - اسم مفعول / خبر (٤) الْمُحْسِنِينَ : اسم مفعول - جمع مذكر - معرفه / فاعل

#### ١٥- عَيْنَ الْجَوَابِ الَّذِي لِإِشْتِمَالِ عَلَى اسْمِ الْمَكَانِ أَوْ اسْمِ التَّفْضِيلِ

- (١) رَأَيْتُ أَجْمَلَ الْبُيُوتِ فِي سَفَرْتِي إِلَى جَنُوبِ إِيرَانَ
- (٢) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ
- (٣) كَانَتْ مَكْتَبَةُ جُنْدِي سَابُورِ فِي خُوزِسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ
- (٤) أَلْحَكُمُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ

#### ١٦- عَيْنَ الْجَوَابِ الَّذِي يَشْتَمِلُ عَلَى اسْمِ الْمَكَانِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ مَعًا

- (١) تَعَلَّمْتُ أَنْفَعَ الْعُلُومِ فِي مَدْرَسَةِ الْفَقْرِ وَ الْمَشَاكِلِ (٢) أَكْثَرَ النَّاسِ تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ مِنْ كَانَ صَادِقًا
- (٣) مَرْيَمُ أَعْلَمُ مِنْ صَدِيقَتِهَا
- (٤) أَعْلَمُ النَّاسِ ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

#### ١٧- عَيْنَ كَلِمَةِ «خَيْرٍ» لَيْسَتْ اسْمَ تَفْضِيلٍ :

- (١) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ
- (٢) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ
- (٣) رَبِّ إِنِّي لَمَّا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ
- (٤) كُنْتُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ .

#### ١٨- عَيْنَ الْخَطَا عَنْ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ:

هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ

- (١) مُحَاوَلَةٌ : مبتدا (٢) قَبِيحَةٌ : صفت (٣) لِكَشْفِ : جار مجرور (٤) النَّاسِ : مضاف اليه

#### ١٩- عَيْنَ الْخَطَا عَنْ الْمَفْرَدَاتِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ «خَلَقَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ الْجَمَالَ لِلنَّاسِ وَ هُوَ غَافِرُ الْخَطَايَا»

- (١) غَافِرٌ : مفرد ، مذكر ، مشتق ، اسم فاعل / خبر
- (٢) الْجَمَالَ : اسم- مفرد- مذكر/ مفعول و منصوب

(٣) أَحْسَنٌ : فعل ماضى ، ثلاثى مجرد- سوم شخص مفرد/ فاعل

(٤) الْخَالِقِينَ: اسم ، جمع مذكر- معرفه به ال ، اسم فاعل/ مضاف اليه

#### ٢٠- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ الْمَفْرَدَاتِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ : «أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

(١) سَكِينَةٌ: اسم ، مفرد مونث ، جامد / صفت

(٢) الْمُؤْمِنِينَ: اسم ، جمع مذكر ، معرفه به ال- جامد/ مجرور به حرف جر

(٣) أَنْزَلَ : فعل ماضٍ ، مزيد ثلاثى ، سوم شخص مفرد

(٤) رَسُولٌ: اسم - مفرد مذكر / مضاف اليه

تست های چهار گزینه ای عربی یازدهم انسانی

درس اول (کاردرمنزل)

عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَذَقَّ فِي الْجَوَابِ (۱-۸):

۱- "اِقْتَصِدُوا فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ لِتَعْوِضِ نَقْصِهِ."

الف) برای تبدیل کمبود در مصرف آب صرفه جویی کردند.

ب) برای جبران کمبود آن در مصرف آب صرفه جویی کردند.

ج) برای جبران کمبود آن در مصرف آب صرفه جویی کنید.

د) برای تبدیل کمبود در مصرف آب صرفه جویی کنید.

۲- "قَدَّمْنَ هَدَايَا لِلطَّالِبَاتِ لِتَقَرَّبِهِنَّ إِلَى الْأَفْضَلِ وَالصِّفَاتِ الطَّيِّبَةِ."

الف) برای نزدیک شدنشان به برترین ها و صفات خوب، به دانش آموزان هدیه هایی را تقدیم کردند.

ب) برای نزدیک شدن به برتری ها و صفات خوب، به دانش آموزان هدیه هایی را تقدیم کنید.

ج) برای نزدیک شدنشان به برتری ها و صفات خوب، به دانش آموزان هدیه ها را تقدیم کردند.

د) برای نزدیک شدن به برترین ها و صفات خوب، به دانش آموزان هدیه هایی را تقدیم کنید.

۳- "تَدْعُونَ شَاتِمَكُمْ لِتَرْضُوا الرَّحْمَنَ وَتُسَخِّطُوا الشَّيْطَانَ."

الف) دشنام گویتان را دعوت می کنید تا (خدای) بخشاینده را خشنود کرده و شیطان را خشمگین نماید.

ب) دشنام گویتان را رها می کنند تا (خدای) بخشاینده را خشنود کنند و شیطان را خشمگین نمایند.

ج) دشنام گویتان را دعوت می کنند تا (خدای) بخشاینده را خشنود کرده و شیطان را خشمگین نمایند.

د) دشنام گویتان را رها می کنید تا (خدای) بخشاینده را خشنود کنید و شیطان را خشمگین نماید.

۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ: "يُرِيدُ اللَّهُ مِنَّا أَنْ لَا نَمْشِيَ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا وَنَقْصِدَ فِي مَشِينَا."

الف) خدا از ما می خواهد که روی زمین با ناز راه نرویم و در روش زندگی خود میانه روی داشته باشیم.

ب) خواست خدا از ما این است که روی زمین با خودپسندی راه نرویم و در راه رفتن خود میانه روی کنیم.

ج) خواست خدا از ما این است که روی زمین با ناز راه نرویم و در روش زندگی خود میانه روی داشته باشیم.

د) خدا از ما می خواهد که روی زمین با خودپسندی راه نرویم و در راه رفتن خود میانه روی کنیم.



## ۵- عَيْنُ الْخَطَا.

(الف) تَوَاضَعْنَ أَمَامَ الْأَسَاتِذَةِ لِأَنَّكُنَّ تَعْلَمْنَ أَنَّ الْحِكْمَةَ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ: در برابر اساتید فروتنی کنید زیرا می دانید که حکمت در قلب فرد فروتن ماندگار می شود.

(ب) شُبَّهَ كَلَامٌ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلِ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْجَمَارِ: سخن کسی که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می برد به صدای خر تشبیه کردند.

(ج) صَعَّرُوا خَدَّهُمْ لِلنَّاسِ وَ مَا حَافَظُوا عَلَى الصَّلَاةِ: با تکبر رویشان را از مردم برگرداندند و بر نماز مراقبت نکردند.

(د) أُرْشِدُوا الْأَوْلَادَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ وَ تَعَلَّمِ الْفُنُونِ: فرزندان را به کارهای درست و یادگیری هنرها راهنمایی کنید.

## ۶- عَيْنُ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ : "اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي"

(الف) حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد/این همه نقش در آیین او هام افتاد (ب) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا

(ج) صورت زیبایی ظاهر هیچ نیست/ای برادر سیرت زیبا بیار (د) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ

## ۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ الْوَاقِعِ.

(الف) الْغُرَابُ حَيَوَانٌ يُسْتَعْمَدُ لِلْحَمْلِ وَ الرُّكُوبِ. (ب) عَلَى الْوَالِدِينَ أَنْ يُقَدِّمُوا لِأَوْلَادِهِمَا مَوَاعِظَ.

(ج) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ. (د) الْإِبْتِعَادُ عَنِ الرِّيَاضَةِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ.

## ۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَطْلُوبِ.

(الف) جمع أكبر : كَبَائِرُ / أَقْبَحُ ≠ أَجْمَلُ (ب) فَخُورٌ = مُتَوَاضِعٌ / مفرد نمُوذَج : نَمَاجِجُ

(ج) مَرَحًا = مُخْتَلَاً / جمع ناهي : نُهَاءُ (د) جمع حَمِيرٍ : حِمَارٌ / جمع مَطْعَمٍ : مَطَاعِمُ

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ بَدِيقَةً ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۹-۱۲):

كَانَ رَجُلٌ فِي قَرْيَةٍ مَشْهُورًا بِقُدْرَتِهِ عَلَى إِصَابَةِ الْعَيْنِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَرَادَ رَجُلٌ حَسُودٌ وَ فَقِيرٌ الْحَالُ أَنْ يُؤْذِيَ أَخَاهُ الْغَنِيَّ. فَذَهَبَ إِلَى الرَّجُلِ الْمَشْهُورِ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ وَ قَالَ لَهُ: "أَرِيدُ مِنْكَ أَنْ تُصِيبَ أَخِي بِالْعَيْنِ." وَ كَانَ الرَّجُلُ الْمَشْهُورُ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ ضَعِيفَ الْبَصَرِ. فَقَالَ لِلرَّجُلِ الْحَسُودِ: "عَلَيْكَ أَنْ تَأْخُذَنِي إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي يَمُرُّ مِنْهُ أَخُوكَ كُلَّ يَوْمٍ." فَوَقَفَا مَعًا عَلَى الطَّرِيقِ وَ عِنْدَمَا جَاءَ الْأَخُ الْغَنِيُّ مِنْ بَعِيدٍ، قَالَ الْحَسُودُ: "هَا هُوَ أَخِي قَادِمٌ مِنْ بَعِيدٍ." تَعَجَّبَ الرَّجُلُ الْمَشْهُورُ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ وَ قَالَ: "يَا، إِنَّ بَصْرَكَ حَادٌّ جَدًّا!" وَ فِي الْحَالِ فَقَدَ الْأَخُ الْحَسُودُ بَصْرَهُ.

## ۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ.

(الف) كَانَ الرَّجُلُ الْغَنِيُّ مَشْهُورًا بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ. (ب) أَخِيرًا فَقَدَ الْأَخُ الْغَنِيُّ بَصْرَهُ.

(ج) غَيَّرَ أَخُ الْغَنِيِّ طَرِيقَهُ الْيَوْمِيَّةَ. (د) الرَّجُلُ الْحَسُودُ مَا كَانَ غَنِيًّا.

### ۱۰- عَيْنِ الْخَطَأِ.

(الف) قَدَرَ الرَّجُلُ الْحَسُودُ أَنْ يُؤْذِيَ أَخَاهُ.

(ب) مَرَّ الرَّجُلُ الْغَنِيُّ مِنْ مَكَانٍ دَائِمِيٍّ.

(ج) الرَّجُلُ الْحَسُودُ مَيَّرَ أَخَاهُ مِنْ بَعِيدٍ.

(د) مَا كَانَ بَصَرُ الرَّجُلِ الْمَشْهُورِ قَوِيًّا.

۱۱- ماذا أرادَ الرَّجُلُ الْفَقِيرُ مِنَ الرَّجُلِ الْمَشْهُورِ؟

أرادَ أَنْ .....

(الف) يُؤْذِي بَصَرَهُ.

(ب) يُصِيبَ أَخَاهُ بَعِينِهِ.

(ج) يَذْهَبَ إِلَى أَخِيهِ الْغَنِيِّ.

(د) يَمُرُّ مِنْ مَكَانٍ كَانَ أَخُوهُ يَمُرُّ.

۱۲- مَا هُوَ عَيْرُ الصَّحِيحِ عَنِ مَفْهُومِ النَّصِّ.

(الف) هر چه کنی به خود کنی/گر همه نیک و بد کنی

(ب) آن که کردار بد روا بیند/ خود ز کردار خود جزا بیند

(ج) ای که اندازی کلوخی سنگ را آماده باش

(د) نباشد همی نیک و بد پایدار/ همان به که نیکی بود یادگار

عَيْنِ الْمُنَاسِبِ فِي الْجَوَابِ (۲۰-۱۳):

۱۳- عَيْنِ الْإِسْمِ الْمَكَانِ مَفْعُولًا.

(الف) فِي مَدْرَسَتِنَا عُرْفَةٌ خَاصَّةٌ لِلْحَاسِبِ.

(ب) الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةِ.

(ج) نُحِبُّ مَطْعَمًا مَشْهُورًا فِي مَدِينَتِنَا.

(د) قَدَّمَ لِإِثْنِكَ مَوَاعِظَ قِيَمَةً.

۱۴- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ.

(الف) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.

(ب) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ.

(ج) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

(د) الْإِنْفَاقُ لِلْفُقَرَاءِ مِنْ خَيْرِ الْأَعْمَالِ.

۱۵- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ جَاءَ اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ مَعًا.

(الف) اسْتُخْدِمَ الْأَفْضَلُ فِي الْمَكَاتِبِ الْعِلْمِيَّةِ.

(ب) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.

(ج) كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ.

(د) نَصَرَكَمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ.

۱۶- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ.

(الف) مَقْبَرَةُ الشَّاعِرِ الْإِيرَانِيِّ فِرْدَوْسِي فِي طُوسٍ: مُضَافٌ إِلَيْهِ / مَجْرُورٌ بِهِ حَرْفُ جَرٍّ

(ب) أَنَا أَرْزَعُ الْخَيْرَ لِأَحْصَدِ الْحَسَنَةِ فِي الْآخِرَةِ: مُبْتَدَأٌ / مَفْعُولٌ

(ج) قَالَ الْبَائِعُ: "رَاجِعْ إِلَى مَتَجَرِّ زَمِيلِي لِتَشْتَرِيَ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ": فَاعِلٌ / خَبَرٌ

(د) سَافَرْتُ إِلَى شَمَالِ إِيرَانَ لِرُؤْيَا غَابَاتٍ جَمِيلَةٍ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ / صِفَتٌ

۱۷- عَيْنٌ مَا يَشْتَمِلُ عَلَى اسْمِ التَّفْضِيلِ.

- (الف) أَحْسَنَ بَعْضُ النَّاسِ إِلَى الْفُقَرَاءِ.  
(ج) أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الثَّوَابِ.  
(ب) أَعْمَلُ الْخَيْرِ لِأَنْجَحَ فِي الْحَيَاةِ.  
(د) قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ.

۱۸- عَيْنِ الْخَطَا فِيمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: "شَاهَدْتُ مَدَارِسَ كَبِيرَةً فِي هَذِهِ الْمُحَافِظَةِ."

- (الف) مضاف (ب) مفعول (ج) اسم مكان (د) موصوف

۱۹- عَيْنٌ مَا يَشْتَمِلُ عَلَى اسْمِ الْمَكَانِ.

- (الف) وَ جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.  
(ج) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.  
(ب) أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا الْقَمِيصِ.  
(د) سَتَبَدَأُ الْمُسَابِقَاتُ فِي مَلَاعِبِ طِهْرَانَ بَعْدَ خَمْسَةِ أَشْهُرٍ.

۲۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ "أَهْدَى" فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: "صَدِيقِي أَهْدَى أَرْبَعَةَ كُتُبٍ لِمَكْتَبَةِ مَدِينَتِنَا."

- (الف) فعلٌ ماضٍ (ب) اسم تفضيل (ج) مضاف إليه (د) الفعل المضارع